



# خبرنامه

نامه دختری به پدر پیشمرگش .  
 ترور انقلابی یک جاش مزدور توسط پیشمرگان کومه له  
 دستگیری یک مزدور قیاره موقت بازی کومه له

## پیشمرگان کوتله له:

○ قرارگاه مزدوران رژیم را در بوکان هتفجور کرده و آنرا درهم کوبیدند .  
 ○ مقر پاسداران و جاشها را در سردشت با سلاحهای سنگین و سبک مورد حمله قرار دادند .  
 (بقیه در صفحه ۳)

چهار دسته از پیشمرگان کومله از پل شهید حسن مرمزی و هیز پیشرو ساعت ۱۲ شب ۶۰/۸/۲۷ وارد شهر بوکان شده و قسمتی از شهر را به کنترل خود در آوردند . پس از استقرار در جاعای تعیین شده دسته ای از پیشمرگان با جسارت کم نظیری از ساختمان جاور مقر سابق کومله بالا رفته به سنگرهای دشمن نزدیک شدند .

درسی که پیروزیهای آبان ۵۸ به ما میدهد:  
**سپر را باید تا پیروزی کامل ادامه داد**

آبانماه سال ۱۳۵۸ سراسر کردستان عراق در آتش و خون و سوز و سارزه بود . جنبش مقاومت هر روز بهروزهای بیشتری نصیب خود میکرد . پیشمرگان نیروهای رژیم را مورد تعرضات بی دردی خود قرار داده و آنها را از بسیاری مواضعشان دورانه عقب نشینی کردند .  
 با پاسگاههای ارتش و پاسداران و جاشهایی پس از دیگری سقوط کرده بدست پیشمرگان تسخیر میگشتند . (بقیه در صفحه ۲)

۱۵ ساعت نبرد قهرمانانه  
**کاک فتح الدین حتی**  
 پیشمرگ رزمنده کومه له  
 (بقیه در صفحه ۵)

**سنگ**  
 کنترل ۵ ساعته شهر سنج و دستگیری ۷ جاش مزدور توسط پیشمرگان کومه له .

۶۰/۸/۲۳ - در این شب پیشمرگان کومله (پل شهید جلال و هیز شورش) به داخل شهر سنج نفوذ کرده و منطقه "بقیه در صفحه ۱۳"

**پیشمرگان کومه له در هریوان:**  
 پایگاه نیروهای دشمن در "بیکه" را مورد حمله قرار دادند .  
 در جاده هریوان - چاره ۹ تن از نیروهای دشمن را کشته و ۱۰ تن دیگر را اسیر کردند  
 (بقیه در صفحه ۱۱)

**پیشمرگان کومله مقر مزدوران رژیم در قهوه خانه آویان**  
 کامیابان را درهم کوبیدند .  
 (در صفحه ۲)

### دو سبب که پیروزی ...

تودهای مبارز شهری نیز به اعتراضات و تظاهرات و تحصنهای وسیعی دست زده و عرصه را بر نیروهای سرکوبگر تنگ کرده بودند.

پس از اینکه مواضع دشمن در بیرون شهرها یکی پس از دیگری سقوط کردند و جنگ با نیروهای رژیم به داخل شهرها کشیده شد، طی چند روز نبرد سخت ارتش و پاسداران از شهر بیگان بیرون رانده شدند. در این مدت مردم مبارز این شهر با تمام امکاناتشان پیشمرگان را یاری میدادند. در مهاباد ضربات سختی بر مزدوران وارد آمد. پیشمرگان چندین تانک و نفربر زرهی را در خیابانهای شهر به آتش کشیدند. قرارگاههای دشمن را در هم کوبیدند و آنها را به داخل پادگان عقب راندند. پادگان سردشت پس از چندین روز نبرد خونین به محاصره درآمد و در آستانه سقوط قرار گرفت. پیشمرگان پس از خلع سلاح نیروهای سرکوبگر وارد شهرک ریخت شدند. دشمن از ترس پیشمرگان افراد و تجهیزات خود را از شهر راجسترا برداشتند.

ضربات وارد بر نیروهای رژیم، پیروزیهای سیاسی در پیش پیشمرگان و پشتیبانی وسیع تودههای مبارز شهر و روستا از آنان، سرکوبگران را ضعیف تر و زبونتر ساخت و بطوریکه پس از تصرف شهرهای بزرگان و مهاباد، به هنگام ورود پیشمرگان، نیزه های رژیم در سایر شهرها به داخل پادگانها و پایگاههای خود خزیده و یارای هیچگونه مقاومتی را نداشتند. رژیم بناچار موزانه به آتش بس تن داد و سرانجام از ضربات سختی که خورده بسود، ادامه جنگ به معنای نابودچی بود.

در روز سوم آذرماه ۱۳۴۷ پیشمرگان کویله وارد شهر شدند. مردم مبارز شهر به محض اطلاع به استقبال فرزندان انقلابیشان شتافتند. صدها زیادی به کوچه و خیابانها ریختند و تا پاسی از شب به شادی و سرور پرداختند. عدای نیز همراهِ با پیشمرگان در خیابانهای شهر به تظاهرات پرداختند و پشتیبانی خود را از آنان اعلام کردند. در حالیکه

پیشمرگان را گلباران میکردند، عدای نیز از فسطاط خوشحالی اشک شوق می ریختند. در روز چهارم آذرماه در میان استقبال پر شور و بی نظیر توده های مبارز پیشمرگان کویله وارد شهر میمان شدند. با ورود پیشمرگان، جو تیز و خفان در شهرها شکسته شد و فضایی دمکراتیک بر آنها حاکم گردید. توده های مردم که تا آن زمان تحت فشار و سرکوب مزدوران رژیم بودند، بار دیگر احساس آزادی و سربلندی می کردند. شور و شوق و فعالیت سراسر شهرها را فرا گرفت و توده های مبارز در کارزار امور و ایجاد ارگانهای دمکراتیک و انقلابی فعالانسه می گوشیدند.

پس از این پیروزی و خفتان شدیدی که رژیم با حظه ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان و در سایر نقاط ایران برقرار کرده بود، تا حدود زیادی در هم شکسته شد. روزنامه ها و نشریات انقلابی و مترقی که تا آن زمان برای هر کسی که همراهِش بوده مجازاتهای سنگینی در پی داشت، بار دیگر آزاد شدند و در

دسترس مردم تهران و سایر شهرها قرار گرفتند. زمینه برای فعالیتهای سیاسی تا اندازه ای آماده شد و اعدامها و حبسهای رژیم کاهش یافت. اما این فضا دیری نماند و رژیم جمهوری اسلامی در بهار ۵۹ و خشونت تراز پیش با هجوم مجدد به شهرها و روستاهای کردستان به جنایات و قتل عامهایی دست زد که در تاریخ معاصر ایران، حتی هیچ ارتش اشغالگری بدانها دست نزده است. ولی با زهم رژیم اشتباه کرد و خود را در آتشی از مقاومت انقلابی گرفتار ساخت که برگش را به دنبال خواهد داشت.

در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی به حبسهای پیاپی ادامه داده و به اعدام ضد انقلابی مبارزان و انقلابیون می پردازد. خفتان شدیدی را در سراسر ایران برقرار کرده و به سرکوب مبارزات خلق نگاهبان ادامه می دهد. فقر و فلاکت شدیدی را دامنگیر توده ها کرده و در قتل

### پیشمرگان کومله

### قرارگاه مزدوران...

● چهاردهم از پیشمرگان کومله از پل شهید حسن هرمزی هجرت پیشرو ساعت ۱۲ شب ۶۰/۸/۲۹ وارد شهر بوکان شده و قسمتی از شهردار به کنشورل اعزام کردند. پس از استقرار در جاسی تعیین شده دستهای از پیشمرگان با جاسارت کم نظیری از ساختمان مجاور مقر سابق کومله بالا رفته و سه سنگرهای دشمن نزدیک شدند. باز آنها انفیاد دشمن را زیر آتش سلاحهای سبک و نارنجک دستی قرار دادند. در ساعت ۲ با تعداد سلاحهای سنگین (پازوگا، آرپی، جی و نارنجک انداز) مقر دشمن را

در هم کوبیدند و طغیان سنگینی بر آن وارد آوردند بطوریکه غایب زبانه آنها به گوش پیشمرگان می رسید. سنگر جلو مقر دشمن نیز مورد اصابت گلوله آر. پی. جی قرار گرفت و ۲ جاس در آنجا به هلاکت رسیدند.

گفته قابل توجه اینکه پیشمرگان کومله قبل از اشغال شهر زور ساختن مقر مواد منفجره زیادی کار گذاشته بودند که پس از شلیک آرپی، جی بوسیله جریبان برق دیک محتوی مواد را منفجر کردند و بنزین مجاور آن نیز آتش گرفت. صدای انفجار بعدی مهیب بود که در فاصله دور دستها نیز شنیده میشد. مزدوران بعدی ترمید صورتند که مرتب بوسیله بیسم فرساده

نا توانی و بجز سر میدادند و می گفتند: آنچه ما همه تلف شده اند. پس مزدوران پایگاههای دیگر جرات بیرون آمدن از لانه های خود را نداشتند. پیشمرگان با روحیه عالی در همان شهر استقبال گرم مردم به پیش میران و تبلیغ برداشتند. استقبال مردم از پیشمرگان نشانه نفرت و کینه هفت خلق گرد از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. در این عطیات که تا ساعت ۲ با تعداد ده داشت ۲ حسن از پیشمرگان فرمان ما زخم سطحی برداشتند اما طغیان دشمن بسیار سنگین بود. پس از آن پیشمرگان سنگی به پایگاههای خود باز گشتند.

مقدان کرد بهسرای پیشمرگان انقلابی... بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش... به مقاومت در برابر رژیم ارتجاعی و سرکوبگر ادامه میدهد. کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های شهرها و روستاهای کردستان با پیوستن عرصه بیشتر به صفوف پیشمرگان کومله سازماندهی هسته های مقاومت در شهرها ایجاد میکنند. زحمتکشان در روستا و امراضات توده های شهرها... پیش از پیش عرصه را بر مزدوران تنگ خواهند کرد. باید با این گرفتن از تجربیات گذشته... این باور عمیق آنهاست سال ۱۹۷۹ که از براندازی و آوردن کامل رژیم سرکوبگر کردیم بلکه بگیرانته تر، آگاهانه تر و سرسختانه تر از پیش با مبارزهای بی آسمان این رژیم ضد انقلابی را در گورستانی که چنگیز و هیطور این هم ساکنان شعبی و دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی را در وجود جای داده است، دفن کنیم.

و جنایت و کشتن هرگونه آزادی از رژیم مزدور پهلوی پیشی گرفته است. بنابراین تا زمانی که جزئی حیاتی از این رژیم برآورد باقی مانده باشد، نصیب توده های زحمتکش و... ایران جز قهر و بدبختی و عقب ماندگی و... چیز دیگری نخواهد بود. این رژیم با... سرکوب کردن کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های... مستعدیده همانطور که با قیام سراسری شود رژیم شاه را سرنگون کردند. برای کسب آزادی واقعی جز روی آوردن دوباره به مبارزهای انقلابی و متحد برای سرنگونی این رژیم ندارند. آنها اینبار نباید اجازه دهند مرتجعین و سازشکاران ثمرات جانبا زبانه های آنان را غصب کنند. باید با روی آوردن به مبارزهای جنگی در جهت ایجاد شوراهای انقلابی کارگری و دیگر شوراها و ارگانهای منتخب خویش برای کسب حاکمیت کام بردارند.

### پیشمرگان کومله مزدوران رژیم را در شهر خانه مایان (کامیاران) مورد حمله قرار داده و تلفات سنگینی بر آنها وارد آوردند.

۶۰/۸/۲۴ - پیشمرگان کومله در ادامه تصرفات بی درسی خود و ضربت سنگین دیگری را بر نیروهای دشمن وارد آوردند. پیشمرگان کومله پس از شهادت قایق از هوشیاری عنوان و شب هنگام محل جاشها و پاسداران را در شهر خانه مایان (کامیاران) به محاصره نمودند. آنها در ساعات ۱۱ شب قرارگاه دشمن را با اسلحه تپه سنگین و بازوگا و سلاحهای سنگین زیر آتش گرفتند و همسراه با دادن شعار و خواندن سرود انقلابی تا نزد بکهای پایگاه دشمن پیش رفتند. بر اثر آتش سلاحهای پیشمرگان سقف مقر دشمن در هم ریخت و ۱۰ نفر از مزدوران به هلاکت رسیدند. نیروهای سرکوبگر در اثر حمله ناگهانی و آتش شدید پیشمرگان زبونانه ناله سرداده بودند و قادر به رویارویی با پیشمرگیان نبودند. روستاها و تپه‌های اطراف را بدون هدف زیر آتش خنجر آری جی و دیگر سلاحها گرفتند. تلفات وارده بر دشمن

در این حمله قهرمانانه بسیار زیاد بود. روز بعد از آن اصولاً در حمایت یک فروتنی ملی کونتر برای حمل کشته و زخمی‌ها به محل مذکور رفتند. پیشمرگان در این عطیان موفقیت آمیز همگی سالم به مناطق تحت نفوذ خود بازگشتند. این دو زمین بازی است که طی یک ماه اخیر پیشمرگان کومله مزدوران رژیم را در این محل مورد حمله قرار میدهند.

### پیشمرگان

۶۰/۸/۲۴ - دشمنان پس از گذاری محل بازدید و کنترل نیروهای دشمن در محور جاشها و بونگان - میان آب (پسین) روستای داشند و اوج تپه، توسط پیشمرگان کومله، یکی از بین‌ها انفجر کردید و ۲ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند. دشمن سراسیمه بطور وحشیانه‌ای منطقه را تا ساعت ۳ بعد از ظهر با خمپاره ۱۲۰ میلیتری کوبید. در این چهاره باران و گوله به داخل روستای انبار اصابت کرد. پیشمرگانی ۳ ساله بنا به عزیز غریزند سید علی که از داشند برای کارگری به روستای انبار آمد، مورد شهادت گردید. با وجود خمپاره -

### حمله پیشمرگان کومله به مقر پاسداران و جاشها در مورد شهادت

۶۰/۸/۲۴ - در این شب چند دسته از پیشمرگان کومله (هزر گریگر - ناحیه سرد شتم) وارد شهر سردشت شده و کنترل بخش وسیعی از شهر را بدست گرفتند و بعد از آن ارتشپان و پاسداران مستقر در خانه سید فاضل زاده را به محاصره خود در آورده و آنها را با سلاحهای سنگین (بازوگا و آری جی) و نارنجک‌انداز (در هم کوبیدند. در این عطیان پیشمرگان تا ۵ قری سنگین به دشمنان در این منطقه وارد شدند که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست. سپس پیشمرگان به روستای آسین سرود خوانان در میان استقبال مردم شهر را ترک کرده و به مناطق تحت نفوذ خود بازگشتند.

باران شدید و روحیه مردم هالی و از این محل پیشمرگان بگسرمی استقبال کردند. ۶۰/۸/۲۴ - در این روز مجدداً بر اثر انفجار مین یک نفر دیگر از مزدوران رژیم به هلاکت رسید و نیروهای رژیم بر اثر این انفجار اطراف جاده را ترک کرده و به پایگاه خود رفتند.



۱۵ ساعت فیسبرد

### قوممانانه کاشه فقیرالدین به تحقیق پیشمرگه رزمنده کومه له در نوره

گوئی در این نبرد سیاسی به تنهایی ۱۵ تن از نژودوران را از پای در آورد و خود نیز قربانی شهید شد.

روستای کسوز در نزدیکی سنندج شاهد ۱۵ ساعت مقاومت دلیرانه و بی نظیر کاک فقیرالدین پیشمرگ کومه له بود و به یاری آن را بیخون برگی افتخار آفرین از بارزات عادلانه خلق کرده دل خود بخارزانه خواهد کرد.

۶۰/۸/۱۹ ساعت در شب تعداد زیادی از پانشاران و جاشهای سنندج در حرکت سواره طرف روستای کسوز حرکت کردند. تعدادی از جاشهای بیاد از روی کوهها ششسوف به روستای کسوز به آنجا نزدیکی شده و آلونکهای اطراف آنسورا بازرسی نمودند. آنها پیشمرگ پیشمرگ محاربی کرده و می گویند از عبارات شهباز که گفته اند و غیر

کمربا که از این امر باخبر بودند با خود می بردند و با خود به روستا می بردند. تعدادی دیگر از جاشها و پاسداران از طرف سنندج به آنجا می آمدند و می گویند و می گویند: "بگر و بیا بیا بیرون و قرار است استون بیاید." و بنفرا از جاشهای خانه کساک فقیرالدین رحمتی رفت و محمود را پیشمرگ محاربی می کنند و پلی را آن را می شناسد و بلافاصله بهر گارشان می بندد که مردم مردم و جاش کشته می شود. کاک فقیر که شهید بود مطرود شد تا حدت و زین و زیندانش را به جان از خانه فرستاد و از خاطر دور می کند. و محمود کاشتهای را شروع می کند که پاناش حرکت صریحی بود که برای همیشه

در تاریخ مبارزات زنده نگه داشتن است خواهد شد. بعد از آن کاک کسوز به کلاشینکف نمود و یک قبضه ۳ که در خانه اش بود به مبارزه تیرمانانهای بسا میزد و آن را بر زمین می انداخت و چنان درسی به آنان میداد که هرگز آن را فراموش نخواهند کرد. بوی آن شب را با خاطرتی می نشناسند. پاناش می رساند که در روستای آن و قبل از روشن شدن هوا جنازه ۲ پاناش را که به خاکستری رسانده بود و به داخل منزل کشیده و اصلاحه و مهبطت آنها را در اختیار می گیرند. پاسداران و جاشها که از طرف منزل را مساجره کرده بودند در صحنه در و پنجره ها را با رگبار می بندند. جاشها تمام منزل را با رگبار به قصد پیدا کردن زین و قبضه کاک فقیر بازرسی می کنند. هنگامیکه هوا روشن شد، جاشها به سراغ ۲ ساله کاک فقیر از در منزل همسایه خارج می شود که او را دستگیر می کنند و بعد از شکنجه های وحشیانه وی را در حالی که دستانش را از پشت بسته بودند به اسب رود خانه و نزد یک تپه خانه ای در کنار روستا می برند. یک جاش کسوزی ملاالدین را به رگبار می بندد و به شهادت می رساند. همین مزدوران یکی از اهالی روستا را میسوز که در زمان کسوزی منزل کاک فقیر بسر می برد با وجود اینکه دستهایش را به علامت تسلیم بگذاشته و از منزل خارج نشده



۱۵ ساعت فبیس...

فبیس و مانانده کاتنه فبیس البرین به صحت

پیشرونگ رزمنده گومله شور نوره

کوی در این نبرد حماسی به تنهایی شایسته از سرداران را از پایکی در آورد

و خود نیز قربانی شهید شد.

به رگبار مستقیم و شهادت رسانیدند  
 بعد از آن جاشها و پاسداران  
 با آرمی ۷۷ بار کشته شدند  
 نارنجک اندازه جنگی را به بهترین  
 خرابه زمین و بنامیت شش سوز  
 تک فشره را از زیر حشمانه ترسین  
 حملات خود ترازید هند و چندین  
 مرتبه از سوراخ سقف و مسواد  
 ضخمه به داخل منزل میاندازند  
 اما کاک فشره با دشواری آنها را  
 غلبه کرد و بدون آنکه هیچ  
 تزلزلی در اراکه برآوردندش راه  
 باز و تهریانه از چو سنگر با  
 دشمن تالاب و منطوق  
 حدود ساعت ۱۲ روز پاسداران با  
 بیعتن دوزخ و گازوئیل و شلیک  
 آرمی ۷۷ جبر به خانه منزل را به  
 آتش کشیدند اما کاک فشره با  
 حدیث و آسای خود در زبان را  
 غلبه بر قرار داد و در بی گت و شا  
 آخرین گلوله تمام را در بسدن  
 کشتن جای ند هم و تسلیم نخواه  
 شدند  
 جاشها و پاسداران مردم را به  
 زور نوری می فرستاد تا بلکه خود  
 را تسلیم کند و در ضمن جنازه  
 مزدورانی را که در راهرو و دم در  
 خانه افتاده بود خارج نمایند  
 کاک فشره به آنان میگوید: "من  
 تسلیم نمی شوم و شطرب کرده است"  
 ساعت ۱۵ ساعت هارز  
 دلهران و زندگی برافتخار این  
 پیشمرگ قهرمان کوهله به پایمان  
 رسید و هنگامیکه خانه در آتش  
 می سوخت و در حالیکه یک پستای  
 کاک فشره از ناحیه دج بشدت

زخمی شده و خود آنها با "جاشها"  
 به دست برده از در منزل خارج گشته  
 و ۳ جاش را که روی پشت پام  
 منزل کین کرد بودند به رگبار  
 بست و همچنان که قول داده بود  
 آخرین گلوله هایش را در سینه  
 کشتن فرو برد و هنگامیکه تنها  
 یک گلوله در دستش باقی مانده بود  
 برای اینکه زنده به دست مزدوران  
 جنایتکار نیفتد به زندگسی  
 برافتخارش عاتق داد و توسط  
 پرورش از عشق باز ایستاد  
 جاشها و پاسداران بعد از برگ  
 رو هم جرات نزدیک شدن به  
 جسدش را نداشتند و برای اطمینان  
 از برگ او جسد خون آلودش را به  
 رگبار بستند  
 مزدوران ۱۴م در جریان این  
 درگیری علاوه بر شهید کردن یکی  
 از اهالی روستا یک تن را شمشیر  
 زخمی کرده و چندین خانه سکونی  
 را با آتش کشید و یکی جوان میگذشت  
 آنها قبل از رسیدن پیشمرگان کوهله  
 به روستای نوره که به مسند  
 از کسب خبر به کمک کاک فشره  
 شتافته بودند و روستا را تخریب  
 کردند  
 طبق اخبار رسیده جسد  
 ۱۵ جاش و پاسدار که به دست  
 کاک فشره به هلاکت رسیده بودند  
 به سردخانه بیمارستان منتقل  
 حمل کرده اند البته زخم خود از  
 طریق راهیو منتقل به کشته  
 شدن ۵ تن از مزدوران استمرار  
 نموده فرماندهی این عملیات را  
 آقای مسعود نمایان جاشها

به عهد داشت در شام طسول  
 درگیری کسانی که در شهر از قبح آن  
 مطلع شده بودند در جلای استانی  
 جمع شده و با ورود عراقیها  
 به شهر که کشته و زخمیهای دشمن  
 را حمل میکردند فریاد شش  
 سر میدادند  
 رژیم ذبوسانه از بلند گوهای  
 تبلیغاتی اش اعلام کرد که در نوبه  
 با عده زیادی از "انقلابیون"  
 درگیر شد ماست اما این شهید  
 فخره بود که با اطمینان استوار به  
 آرمان انقلابش به تنهایی مدت  
 ۱۵ ساعت با عده زیادی از  
 جنایتکاران مزدور به مقابل  
 برخواست و با جان بازی بی نظیرش  
 صحنه های از روزندگی پیشمرگان  
 انقلابی را به نمایش گذاشت که  
 ترس و بیم از آن برای همیشه در  
 ذهن سوکوهگران نقش خواهد بست  
 در این درگیری کاک فخره را بین و  
 کاک علاء الدین برادرش شهید  
 شدند اما جرح دلهران کاک  
 فخره هنوز هم در روستای نوره  
 طنین انداز است  
 قلب پرشور شهید فخره از شه  
 با زانستاده اما نانش زنده ماست  
 حماسه مقاومش زنده است  
 و شمشیر گرز نخواهد سرد  
 گرامی باو یاد همیشه جاوید  
 پیشمرگ قهرمان دلهران  
 کوهله کاک فخره الدین رحمتی

# نامه و دست‌نویس پیرزاده

نامه‌ای از یک دختر مہارز برای پدر پیشمرگش که هم اکنون در سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان در صفوف پیشمرگان انقلابی کومله می‌رزد و بدستمان رسیده است. نامه‌ای پر از محبت و شور انقلابی، سرشار از روحیه مبارزاتی، ماضی نقد بر از جنین روحی‌های دریدهای انقلابی خود را نثار این رفیقان کرده و ناهانش را که انعکاسی است از آگاهی و شور انقلابی جوانان کردستان و در اینجا می‌آوریم.

## پدر عزیزم سلام

سلامی دارم سرشار از افتخار و اشتیاق دیدار برای تو و دیگر عزیزانم در سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان و در کردستان قهرمان، کردستان جای بارزان واقعی و مکان تحقق افسانه‌ها. پدر عزیزم که باعث سربلندی مایی به راه ولایت که همان راه کارگران و زحمتکشان است، به ما اراده و قاطعیت داده بنده و بدان که ما هم در داخل شهر همیشه باور و کنگ شما هستیم و با کار و کوشش خود در راه بزرگ شما گام برمی‌داریم هرچند این راه فراز و نشیب زیاد دارد ولی بایست رفت تا به مقصود رسید و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. حتی اگر لازم بود کشتیم و کشتیم. پدرجان ۱ تا ۱۴ تا ۸ بدستان رسید خیلی خوشحال شدیم و اتفاقاً خانه دانه ... بودیم. باره و دانه و خالو ... هم خیلی زاری از دیدن آن خوشحال شدند و گفتند سلام برسانند و احوالش را بپرسید.

وضع شهر هم ظاهراً آرام است ولی مردم در انتظار عیبی بسر می‌برند، مانند آتش زبر خاکستره تقریباً شهر حالت آرامش قبل از توفان را دارد، روز سیزده آبان شهر منجمد بود. حسدای شیراندازی عیبی که از صبح شروع شد و تا بعد از ظهر ادامه داشت، بگوش می‌رسید. صبح زود دانش‌آموزان دبستان و راهنمایی را جمع کردند که تظاهرات کنند ولی ترسیدند دبیرستان را تعطیل کنند. چون میدانستند که شلوغ می‌شود. ولی ما هم بیکار نشستیم به حیاط رفتیم و بنه خواندن شروع و دادن شمار برداختیم، اکثر تظاهرات و تودابها هم فی‌المراتب مقابلمان دست برد کردند. مدیران و مسئولان مدرسه هم از ترس اصلاً بیرون نیامدند. ولی دبیرستان ... خیلی شلوغ شد بطوریکه شاگردان بحالت تظاهرات بیرون آمده بودند ولی پاسداران شدیداً شروع به تیراندازی کرده و شروع به بازداشت دانش‌آموزان کردند، عده زیادی را گرفتند. بعضی اعدای را آزاد کردند ولی هنوز تعدادی در بازداشت هستند.

این هم خلاصه‌ای بود از اوضاع شهر دیگر وقت را نمی‌گویم. محکمی سلام برسانند.

به امید پیروزی

تعدادت ...



### اعتراضات دانش آموزان و دیگر توده های مردم در قزوین

#### علیه بنیادیت رژیم

بدینال مبارزات دانش آموزان مبارز سقز در روز یکشنبه آلمان علیه رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی علیه زبانی از دانش آموزان را دستگیر کردند که هنوز در قزوین آنان قوی زندان پهلوی هستند. در تاریخ ۶۰/۸/۱۲ نیز اساسی ۳۸ تن از دانش آموزان مدرسه آزادی را معرفی و آنها را اخراجی اعلام کردند.

به منحصرا اطلاع از این خبر گنجه دانش آموزان مدرسه دست به اعتراض زده و به پشتیبانی از رفقای زندانی و اخراجی خود بر می خیزند. دانش آموزان مبارز در حمایت مدرسه ایضاً کرده و اعلام می نمایند که تا رفقایشان را بیرون آنها برنگردانند به سراسر کلاسها نخواهند رفت. آنها سرودهای انقلابی میخوانند و به پشتیبانی از زندانیان و اخراجیان شعار میدادند.

مدیر مدرسه که از فعال سرسپرده رژیم است ابتدا با خیل و تهرنگ و مواظوبی قصد داشت اعتراض را به خوابانده بولی به علت هوشاری دانش آموزان که این کارش موفق نشد. سپس همراه با مأمورین و رئیس آموزش و پرورش دست به توطئه جدیدی زده و مدرسه را منحل اعلام کردند.

باصداران مزدور طی هفته های اخیر در تنها شروع به اخراج و دستگیری دانش آموزان کرده اند بلکه به دستگیری اذیت و آزار و ظلمین بنابر امانی شهر سقز دست زدند. آنها در روز یکشنبه از نمایانهای شهر یک دانشجو را به کسار بسته و به شهادت رساندند.

۶۰/۸/۱۲ صبح این روز دانش آموزان مدرسه "مسدق" قصد اعتراض به زندانی نمودن و اخراج رفقایشان در مدرسه آزادی را داشتند.

صامت در صبح هنگامیکه چند اتوبوس باصداران از جلوی این مدرسه عبور میکردند دانش آموزان به عملیه آنها حمله کرده و باصداران را شوکرند. پس از آن باصداران مزدور بهرجهتانه دانش آموزان را منته و کار گلوچه بستند. در همان لحظه اول ۱۲ تن از دانش آموزان بر زمین افتاد و بقیه پراکند شدند سرکوبگران وارد سالن و کلاسهای مدرسه

شده و در آنجا نیز دانش آموزان و معلمین را زبانی آتش سلاهای خود قرار دادند. سپس دانش آموزان را زیر نشت و لگد گرفته و از کلاسها بیرونشان کردند. باصداران مزدور همه را در حیاط به صف کرده و تهدید به اعدامشان کردند. کم کم هر تعداد باصداران افزوده شد و نظام بنده تمام به محاصره خود در آوردند.

در این بیورش باصداران و تفوازدانش آموزان با گلوله کالجور و زخمی گردیدند. مادر یکی از زخمیها که خود را به مدرسه رسانده بوده در حیاط به دانش آموزان گفت: "بزی کردستان بهترین شوه (زنده یاد کردستان زنده یاد شماست). این سخن در تطویر روحیه دانش آموزان بسیار مؤثر بود. مزدوران رژیم از نزدیک شدن مردم شهر به محل مدرسه جلوگیری میکردند و در آخر روز نظر از دانش آموزان را دستگیر کرده و با خود بردند. در این لحظه بلند گوهایی مساجد مرتباً برای زخمیها از مردم تقاضای خون میکردند.

این خبر سرریزاً در شهر پخش گردید و خشم و انزجار شدید مردم علیه رژیم را به دنبال خود آورده. یکی از امانی شهر می گفت: "وقتی می بینند در مقابل همه جنایتهایشان ما سکوت اختیار کردیم و ما علاج است که عوکاری دلشان بشواید میکنند. شخص دیگری می گفت ما باید به همه جنایتهایشان تنهن دونیم و با همه دست به دست هم داده و از این خاک بیرونشان کنیم. والدین دانش آموزان خنده داشتند که باید مدارس رژیم را تدمیم کرد.

۶۰/۸/۲۰ از بلندگو در مسجد جامع اسلام



### تور و انقلابی یک جاش در ره‌ها باد - توسط پیشروان کورد

۶۰/۸/۲۷ - ۶ ساعت ۸/۵  
 پیشروان کومله در داخل  
 و مهاجرت و در نزدیکی میدان  
 یک جاش جنایتکار رژیم پهلوی  
 قادر رسیدن را به گلوله بسته  
 و پس از آن به پایگاههای خود باز  
 گشتند .  
 حال رژیم تورا " جاش مزبور را به  
 بیمارستان انتقال دادند و از آنجا  
 به رضاشاه فرستادند . به طریقت  
 کاری بودن زخمها امکان هلاکت  
 وی بسیار زیاد است . این جاش  
 مزدور مدت ۱۲ ماه همراه با سایر  
 افراد نیروهای سرکوبگر به اذیت  
 و آزار و دستگیری مردم مبارز  
 و آزادیخواهان پرداختند .  
 که از پیشه ضد مردمی خریدار شده  
 بودند از آنجا باید بداند که سر  
 نوشی بهتر از این مزدور نخواهند  
 داشت .

### ادامه خبر دستگیری ۲ جاش در هفتکج

یک پسر ۲۷-۸ ساله همینکه ما  
 را دید و فهمید که پیشروان  
 کومله هستیم مارا بسپرد و وقتی  
 نتواند ازی شروع شد مادرش پسه  
 او گفت: نرو ، او گفت: بگذار  
 با همه کشته شویم یا جاشها و  
 پاسداران را نابود نمائیم .  
 مردم پنجرهها را باز میکردند  
 و به حرف های ما گوش میدادند .  
 بعضیها از شادی میگریستند  
 نمی دانستند به چه سورتی  
 پیشروان را ماری بدهند . وقتی  
 که ما این صحنهها را می دیدیم  
 معنی نام پیشروان را بهتر  
 می فهمیدیم و اینها مارا به راهمان  
 دلگرم تر میکردند .  
 در جریان که در آنجا  
 کردند ما پیشروان کومله هستیم  
 و فضای مملکتی درگوشن شد .  
 جوانان همه بیرون آمدند و از

نزد یک با پیشروان صحبت و  
 همکاری میکردند .  
 وقتی دیدند محله را به کنترل  
 خود در آورده ایم و از بلندگوی  
 مسجد صحبت میکنیم ، همگی آنها  
 ( پدر ، مادر ، خواهران ، برادران )  
 از شدت خوشحالی شروع به رقص  
 کردی نمودند . . . .

### دستگیری یک مزدور قیاده

۶۰/۸/۲۶ - پیشروان  
 کومله یک شهید محسن الدین  
 قیاده سقز - باه را بکنترل خود  
 در آورده و به بازید با ششپا  
 برداختند . در جریان آن در  
 کلبه‌های مملکتی یکی از مزدوران قیاده  
 بود و قصد عبور از آنجا را داشت  
 دستگیر و خلق سلاح نمودند .  
 . . . . .

### تجیه اعتراضات دانش آموزان ...

ند " ناصر صالحی " یکی از دانش آموزانی  
 که روز قبل بدست پاسداران مجروح شده ، بسوده  
 بشهادت رسیده است و از مردم دعوت میشود که در  
 تشییع جنازه وی شرکت نمایند . با شنیدن این خبر  
 در مطبوعات کومله ای عده زیادی از مردم در جلو مسجد  
 جامع اجتماع کردند . دانش آموزان مسند ارس  
 کلاسهایشان را تعطیل کرده و برای تشییع جنازه  
 حاضر شدند . بازاریان بخانههایشان را بستند .  
 در ساعت ۷ صبح جمعیت ۲ هزار نفری بطرف  
 گورستان شهز براه افتادند . پاسداران سزور

در نزدیکی نل هوایی خود را به آنها رسانده و جلو  
 جمعیت را گرفتند . آنها در حالیکه قادر نبودند  
 ضعف و بیونی خود را در برابر جمعیت پنهان  
 نمایند آنها را تهدید می کردند . مردم میگفتند  
 اجتماع شما غیر قانونی است و اگر برانگنده نشوید به  
 شما نتواند ازی خواهم کرد . پاسداران کم کم مردم  
 را محاصره کردند و جمعیت بطرف مسجد بازگشتند  
 یکساعت بعد عده زیادی از دانش آموزان مبارز  
 در میدان بازار اجتماع کرده و علیه کشتار و جنایات  
 رژیم شعار دادند ، آنها همینان از توده های مردم  
 میخواستند که علیه رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی  
 و وحشیگریهایش بهیسا غیور شوند .

# راهنمای شعر

## ۱- شعرهای کلاسیک

قطعه شعری را که میخوانید، شاعر انقلابی کاک "ربوار" بمناسبت شهادت پیشمرگان کومله در آشنویه و کاک شعرالدین در نوره بزبان کردی سروده است:

پوشه میدانی شهری قاردمانای شنو،  
پوشه مید فخری نوره.

پهلای باران  
پهلای باران باران  
لا یاند توی

دایکی شتو بو شوره لایان .  
د مخریشی :

هوایل ای میوه تال ای  
گشت گیانم زامه ای

تختی زای غصانت  
هاتو له لاه

زای کوی سارین تهری  
چلکا و مخریکان

عنه داره

له "مکاری" "ماتا" "میروان"

تسا شاکن ای

تاسطانی رمی پهنگوی تهمه .

مهری

عده بار

د روکلی تار عده سی عمه .

مورگانت بی ای

زوبانی زالم ای زوبانی رمی ای

مهرچون له باقم عهان وهرین  
بازده کوی گمش

بهلام

زهری دستنی شورشگیران بجزیره ای

کلاکی بوگن وسهرشور

سهاد سهد - بجزیره ای

داغم ناچی

بازده نه ستره کوی

له تاسطان

را خوشین و عمل وهرینه

کوشی کوردستان .

بهلام

لهمر "رند زله" و

شوی قارمان

سو زورداران

رای داسه لای ناقورسی تمان ای

چاوده کترین

بهروز بوندی تاسو بهرینه

کوروی عباتی شیرشان به تاوشینه

مروزانای

ده ربای مندی پیتی گنکار

مژده ای توغاسی شورشه و

روز عانی زوردان

بیتی : مهری غم و ماتم

دیکمین به باران

مهزار گولی گمش دهره بین

له جمانی باران

به مخریشی دست وچنگ و

بهروسکه باران

دارو تا و و شکت دیکمین

— وک گه لاریان —

گندله داری کون بهرست

بهره و بزانه ای

لا فایک دی

رهه کیش کهری زورداننه .

چابو نسوین ای

چا وکلانم ای

گوبان گوانه .

### از عرصه ۱ پیشمرگان کوه کوه در

دیوان : پایگاه نیروهای...

۶۰/۸/۲۳ - پیشمرگان کوه کوه  
شهید خنده جوار جاو از  
شهید حسین و هیز شهید  
در ساقتدین از تبه شب  
اسد اران و جاشهنا رادر  
کوه " محاصره کرده و با  
آر و پی . جی و سایر سلاحها  
آن را پرورد حمله قرار دادند .  
بر اثر این حمله تلفات و خسارتی  
به دشمن وارد آوردند که از  
میزان دقیق آن اطلاعی در دست  
نیست . پس از انجام این عملیات  
پیشمرگان بدون هیچ آسیبی به  
مناطق تحت نفوذ خود بازگشتند

۶۰/۸/۲۴ : چند دسته از  
پیشمرگان کوه کوه از هیز شهید  
فواد و جاده مروان - چناره را  
در بین چندین پایگاه دشمن به  
کنترل خود در آورند . آنها در  
جریان بازید از ماشینهایی که  
از آن صبر صبور کردند ، فرمانده  
گروهان ژاندارمری چناره را با  
مقداری اسناد و مدارک و یک  
تنبه سلاح کبری دستگیر کردند .  
در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر  
یک خود رو ارتشی که حاصل ۱۹  
نفر از نیروهای رژیم بود ، به کمین  
افتاد . پیشمرگان آن رازیر آتش  
سلاحهای خود گرفته که در نتیجه  
خود رو از جاده منحرف گردیدند .  
در این حمله ۹ نفر از نیروهای  
دشمن کشته شدند و بقیه خود را

تسلیم پیشمرگان کردند . ۴ نفر  
از دستگیر شدگان زخمی بودند  
که بلافاصله تحت مداوای گسروه  
امداد قرار گرفتند . پیشمرگان  
خود رو ارتشی را به آتش کشیدند و  
هنگامی سالم از آن منطقه دور شدند  
مردم منطقه از شنیدن خبر این  
پیروزی بسیار خوشحال شده  
بودند . به هنگام ورود پیشمرگان  
به یکی از روستاها مردم به  
استقبالشان شتافته و به پشتیبانی  
از آنان و بر علیه رژیم شمشیر  
دادند . آنها سپس در مسجد  
روستا اجتماع کرده و به سخنران  
یکی از مسئولین کوه کوه گوش فرا  
دادند . رفیق مسئول در مورد  
سیاست سرکوبگرانه رژیم ، اداسه  
تعرضات کوه کوه علیه آن و لزوم  
شرکت هر چه فعالانه تر روسیه  
توجه های مردم در مبارزه و انتشار  
انقلابی پیشمرگان کوه کوه با اسرا  
و ... برای آنان مطالبی بیان  
داشتند .

سرود یکی دیگری شیرانه ؟  
بویکی داره عنا و ده ره و نه زلی  
کمان

### وشه گرانه گان

تشنه : پیشی زامی کون  
هه کاری : شاربیکه کورد ستانی تورکمانز یکی سنوری شون  
و میراق که قباد بله وی د مسته یک امپهت هرگ کانی به که -  
شی نیشتمانی به نامه ردی شهید کرد .  
هرگانت بی : هرگ بو تو  
کسود مسته یک شه سیره ن (بازده آه) که گارستی  
بی بان دالین پروین  
را خوشین : زوشتمی شه سیره ناسانا (شهاب)  
مروانه : مروچانه - باوره کردن - شهولنی زور وردی  
پیش توغان  
خرموزین : ده نگی شوره

منطقه تاریکانه ای  
لا یکنی رنجده  
شوره سدواره کسی کوهله پیلویزی  
تاگر  
رته : عمرمانس دوزمن و کردی به سووتور  
جا خمالی : ناری دوزمن  
پلا با خالی  
دوزمن : رستان بیت و  
شورش هه نایی  
۶۰/۸/۲۴

" رند و لید " شایخیکه به پیشنی شماری شستوه  
" نایبه " شایخیکه به پیشنی شماری سنوره  
که نایبایی زه پوره " له پنهانی و شهید دوزمه  
روی شهید کرد .

**سنتج:** پیشمرگان کومه نه بمدت ۵ ساعت قشتمی از شهر  
 را به کنترل درآورده و ۲ جاش را دستگیر و یک تن را  
 اعدام نمودند.

کله که جار را به کنترل نمود  
 در آوردند. به هنگام ورود پیشمرگان  
 به شهر، مردم با اطلاع از ورود  
 آنان در محله به سرور و غلغله  
 پرداختند. پیشمرگان ابتدا با  
 مدعیان از جوانان شهر رو برو  
 میشوند، که به تصور اینکه آنان  
 جاش و پاسدار هستند، به سرعت  
 از محل دور می شوند. اما وقتی  
 پس می برند که پیشمرگان کومه  
 هستند از فرط شادی از سرور و  
 کولشان بالا رفته و آنان سر را در  
 آغوش می گیرند.  
 عملیات آغاز شد، ۲ جاش نزد  
 دستگیر و یکی دیگر اعدام -  
 انقلابی گردید. پس از آن شمار  
 بود یکی از نقاط بهشت بلند گوهای  
 مسجد برای مردم شهر -  
 سخنرانی نماید. بدین منظور  
 پیشمرگان، بلند گوهای مسجد  
 محله را روشن کرده و سپس از  
 فرستادن در رود های انقلابی برای  
 مردم مبارز شهر شدند، در باره  
 سیاستهای ارتجاعی رژیم اشکباری  
 نمودند و آنها را به شرکت هر چه  
 فعالیتها و مبارزه برای بدست  
 گرفتن سر نوشت خود، دعوت کردند  
 آنگاه سرود "پیشمرگهی کریکاران"  
 (پیشمرگان و کران) توسط پیشمرگان  
 کومه خوانده شد. سپس یکی از  
 نظامی مسئول سخنان خود را چنین

آغاز کرد:  
 " صدای جنگ پیشمرگان  
 کومه صدای کینه آن عسکری  
 است که غرزدش اعدام گشته  
 صدای کسی است که در تار و  
 تولا تان قتل عام شده و صدای آن  
 زخمکش ستمیهای است که ..."  
 آنگاه در باره نقش کومه در  
 جنبش مقاومت و مبارزه حق طلبانه  
 خلق کرد، مطالبی بیان داشت و  
 و با خواندن سرود "ای رفیق" و  
 دادن شعار بر علیه رژیم  
 ضد انقلابی جمهوری اسلامی  
 برنامه را به پایان رساندند.  
 سپس با ورود پایگاههای متعدد  
 دشمن در نقاط مختلف شهر  
 پیشمرگان همگی سالم و بدون  
 هیچگونه آسیبی بطرف پایگاههای  
 خود بازگشتند، اما رژیم ضد  
 خلقی که از این برنامه و همچنین  
 استقبال و همکاری مردم مبارز  
 شدند، به وحشت افتاده بود،  
 و قبحانه از طریق دستگاههای  
 دروغ پراکنی خود اعلام نمود که  
 تعداد زیادی از به اصطلاح ضد  
 انقلاب در این عملیات کشته  
 شده اند.  
 پشتیبانی و همکاری مردم و  
 همچنین شور و استقبال آنان  
 از پیشمرگان در این عملیات به  
 کینه و نفرت آنها را از رژیم ضد

انقلابی جمهوری اسلامی  
 آشکارتر ساخته و اوج گیری جنبش  
 توده های را در کردستان نویسد  
 میدهد.  
 در زیر گزارش نظامی را که در  
 این عملیات شرکت داشتند و  
 مورد توجه مردم بود، آورده است  
 پیشمرگان سر آوریم و  
 ... در راه مردم مردم  
 سالی از پشت در برسد و کسی  
 هستید؟ گفتم نخود مانیم در راه  
 باز کرد. به خیال اینکه مسا  
 جاش هستیم با آن سخنگو آمیزی  
 گفت، باز هم پاکسازی! گفتم  
 پس. گفت: پس بفرما. گفتم  
 برای پاکسازی خانه شما  
 عیادت ما هم می توانیم خانه  
 جاشها را پاکسازی کنیم. کسی  
 بگفت کرد و با صدای بلند گفت:  
 " ای کران مبارزه!" (به به  
 جاش بگیر است)  
 " ... زنی که بجای در منزل  
 داشت به همراه شوهرش و وقتی  
 ما را دیدند، با آنها سلام  
 دادیم و گفتم: به بزرگ کومه  
 هستیم، با ما روایی کردند،  
 در حالی که اشک می ریخت گفت:  
 آه خدا باز هم پیشمرگه را دیدم،  
 دیگر آرزوی ندا آرزوی  
 زنی، بگفت: ... من مادر یک  
 شهید، حالا اجناسی را احتی  
 میکنم چون راه پسرم آناه دارد،  
 یک جاش پسر را اعدام کرد. در  
 حالیکه داشت گریه کرد گفت:  
 " زستان نزد یک آه، شما چشم  
 ندگی می کنید؟" به در